

تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س)

کبری روشنفکر*
دانش محمدی**

چکیده: گفتمان پدیده‌ای زبانی است که در اثر ارتباط تولید می‌شود و نوع آن متأثر از موقعیت آن است. تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که به نقد و تحلیل متون می‌پردازد. در گفتمان دو عنصر مهم بررسی می‌شود: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت. گفتمان دارای شاخه‌های مختلفی است. خطبه‌های حضرت زینب (س)، دارای دو بافت زبانی و موقعیتی است. از منظر تحلیل گفتمان، خطبه ایشان در میان مردم کوفه، متناسب با بافت موقعیتی آن دارای برجستگیهای عاطفی بیشتر و گفتمان آن حضرت در مجلس ابن زیاد و یزید، متناسب با موقعیت آن، دارای برجستگیهای برهانی و استدلالی بیشتر است. در بافت متنی گفتمان ایشان، از یک طرف بافت بنایی یا کلی آن و از طرف دیگر، بافت ساختاری - که شامل کلیه نکات زبانی و بلاغی است - مورد توجه قرار می‌گیرد.

*. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.

** کارشناس ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.

این جستار با توجه به انواع ارتباطها و پیوندها، می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی جنبه‌های ادبی و اجتماعی خطبه‌های حضرت زینب بپردازد.

کلیدواژه: گفتمان / تحلیل گفتمان / گفتمان ادبی / حضرت زینب (س) / خطبه حضرت زینب.

۱. مقدمه

تحلیل متون ادبی از قدیم، رواج داشته است. توجه به جزئیات و بافت‌هایی همچون کلمه و جمله و توجه به نکات بلاغی از خلال جزئیات، از جمله ویژگی‌های تحلیل متون ادبی در روزگاران گذشته بوده است.

سالهاست که تحلیل متون ادبی از بررسی‌های توصیفی عبور کرده است و از یک سو، کلیه ساختارهای متون ادبی از جزئی‌ترین آنها همچون حروف و کلمات، تا واحدهای بزرگ‌تر از جمله، همچون زبان، مورد بررسی قرار گرفته و از سوی دیگر، این متون به عنوان پدیده‌های زبانی - که در تعامل با اجتماع اند - بررسی می‌شوند. در این زمینه، نظریات گوناگونی در تحلیل زبان و تولیدات زبانی شکل گرفت که به بررسی زبان از خلال ارتباط آن با اجتماع پرداخته شد. نظریه تحلیل گفتمان از جمله این نظریات است که توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. تحلیل گفتمان به بررسی متون ادبی از جنبه ساختارهای زبانی و بافت متنی می‌پردازد. نظریه گفتمان در زبان‌شناسی متولد شد. زلیگ هریس، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، اولین بار اصطلاح تحلیل گفتمان را به کار برد. او دیدی صورت‌گرایانه به جمله را مطرح کرد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه به جمله و متن برشمرد. (۹: ص ۸)

در دهه‌های بعد، تحلیل گفتمان دارای میدان وسیع‌تری شد و عده‌ای از زبان‌شناسان، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، مفهوم بافت را نیز در تحلیل گفتمان وارد

کردند. (همان: ۱۰۸).



خطبه‌های حضرت زینب (س) به عنوان پدیده‌ای زبانی، از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی دور نبوده است. زینب (س) از فصاحت و بلاغت قرآن و نبی اکرم ﷺ و علی رضی الله عنه بهره‌ها برده؛ همان قرآن که فصاحت و بلاغت آن، خطباء و ادباء عرب را عاجز کرده و همان نبی که «أفصح من نطق بالضاد» بود و همان علی رضی الله عنه که نهج البلاغه او فصیح‌ترین کلامها بعد از قرآن و کلام نبی ﷺ است. تحلیل کلام چنین شخصیتی، اگرچه بارها و بارها صورت گرفته است، ولی به جرئت می‌توان گفت که اکثر تحلیلگران نتوانسته‌اند فصاحت و بلاغت ایشان را حتی به قدری بسیار اندک، نشان دهند؛ چرا که اکثر آنان به تحلیل کلام ایشان با استناد به جنبه‌هایی محدود از ساختارهای متنی کلام، همچون ساختارهای بلاغی قدیم، اکتفا کرده و حتی نتوانسته‌اند ارتباط بعضی از این ساختارهای بلاغی، همچون آرایه‌های ادبی نظیر استعاره، تشبیه و سجع را با فصاحت و بلاغت ایشان بیان کنند. درحالی که اوج فصاحت و بلاغت زینبی زمانی بروز می‌کند که ایشان با توجه به هر موقعیت، بهترین کلام را متناسب با آن جایگاه، بیان می‌کند. به عبارت دیگر، زیبایی‌های تمام ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی، همگی در ارتباط با بافت موقعیتی آن ظهور پیدا می‌کنند.

این نوشتار بر آن است تا کلام حضرت زینب (س) را در خطبه‌ها بر اساس شیوه تحلیل گفتمانی، بررسی کند. خطبه‌های حضرت زینب (س) از دو جنبه بافت متنی و بافت موقعیتی، قابل بررسی و تحلیل اند. داده مورد تحلیل، خطبه‌های حضرت زینب (س) در میان مردم کوفه و در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید است. در این بررسی، ابتدا مفاهیم گفتمان، تحلیل گفتمان، انواع گفتمان و گفتمان ادبی بررسی میشود و سپس خطبه‌های حضرت زینب (س) از دو جنبه بافت موقعیتی و بافت متنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان، نتیجه‌گیری خواهد آمد.



۲. گفتمان

گفتمان معادل واژه فرانسوی (discourse) اصطلاحی زبان‌شناسی است که به سرعت، کاربرد وسیعی یافت. (۳: ص ۲۲) جی.ای. کادن در فرهنگ اصطلاحات، گفتمان را در اطلاق به مباحث بسیار عالمانه و دقیق گفتاری یا نوشتاری پیرامون یک موضوع فلسفی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و هنری به کار می‌برد. (۱۴: ص ۲۶) گفتمان در مفهوم سنتی - فلسفی آن به معنی دلیل‌آوری و بازتاب روشمندان و کنترل‌شده گفتاری یا نوشتاری است. (۵: ۱۳۸۰) نیز گفتمان را مرادف کلامی، بده‌بستانی بین‌گوینده و شنونده، باز نمود یک صدا در دل یک متن و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی دانسته‌اند. (۱۵: ص ۱۰) به عبارت دیگر، گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط (۱: ص ۲۶) و به طور کلی، اصطلاحی عام است برای نمونه‌های کاربردی زبان یعنی زبانی که در اثر برقراری ارتباط، تولید شده است و برخلاف دستور زبان - که با عبارتها و جمله‌ها سر و کار دارد - گفتمان با واحدهای زبانی بزرگ‌تر چون پاراگراف، مصاحبه، مکالمه و متن سر و کار دارد. (همان)

شرط اصلی گفتمان گفتگو یا همه‌پرسه است. هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. گفتمانها برحسب زمان و مکان متفاوت‌اند؛ (۱۴: ص ۵۵) مثلاً گفتمانی که میان یک دانشجو و همکلاسی او در بیرون از دانشگاه صورت می‌گیرد، با گفتمانی که میان همان دانشجو و همکلاسی او در کلاس صورت می‌گیرد، متفاوت است.

از تعاریف ذکر شده چنین بر می‌آید که گفتمان پدیده‌ای است زبانی متأثر از اجتماع و نوع و کیفیت آن از موقعیتی به موقعیت دیگر، تفاوت دارد.

۳. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان معادل (Analys Discourse) است که معادل فارسی آن سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار می‌باشد. تحلیل گفتمانی یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. (۹: ص ۷) به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان همان نقد گفتمان و بررسی نقاط قوت و ضعف آن است.

۴. عناصر گفتمان

در تحلیل گفتمان، دو عنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت.

منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، بررسی می‌شود. (۳: ص ۱۴۲)

۵. انواع گفتمان

به سبب اینکه می‌توان گفتمان را با توجه به تعریف آن در یک نوع بررسی کرد، اکثر زبان‌شناسان از تقسیم آن خودداری کرده‌اند؛ ولی عده معدودی آن را به انواع گوناگونی تقسیم کرده‌اند. از جمله این تقسیم‌بندیها می‌توان به: ۱. گفتمان دینی - ۲. گفتمان سیاسی - اجتماعی ۳. گفتمان ادبی - هنری ۴. گفتمان تبلیغاتی -



اطلاعاتی ۵. گفتمان علمی - منطقی ۶. گفتمان قانونی ۷. گفتمان تاریخی ۸. گفتمان اخلاقی ۹. گفتمان فلسفی، اشاره کرد. (۴: ص ۲۳)

اما از آنجا که این مقاله به گفتمان ادبی می‌پردازد، به تعریف این نوع گفتمان از بین انواع مختلف آن اکتفا می‌شود.

۶. گفتمان ادبی

گفتمان ادبی «گفتمانی است نقدی که آثار ادبی و هنری را به منظور بیان زیبایی‌ها، تصویرگریها و روشهای آن و تأثیر بر خواننده و برانگیختن احساس وی و میزان ابداع و نوع‌آوری آنها از جانب ادیب و هنرمند تحلیل می‌کند. گفتمانی است که بین ذات ادیب و هنرمند و واقعیتی که تصویرش می‌کند، ارتباط برقرار می‌کند».

(همان)

با توجه به تعریفی که از گفتمان به شکل عام، و گفتمان ادبی به شکل خاص، ارائه شد و با توجه به شناختی که از دو عنصر مهم گفتمان، بافت متن و بافت موقعیت، حاصل شد، به نظر می‌رسد که در تحلیل گفتمان ادبی توجه به موارد زیر ضروری است.

۱. موقعیتی که گفتمان در آن شکل گرفته است؛ ۲. بافت کلی گفتمان و سیر موضوعی آن؛ ۳. ساختارهای زبانی و اسلوبی که ادیب برای بیان گفتمان، بر حسب موقعیت آن انتخاب کرده است؛ ۴. ساختارهای درونی گفتمان ۵. تأثیر گفتمان.
- باید توجه داشت که جداکردن این ساختارها و بررسی هر کدام از آنها بصورت منفصل از ساختارهای دیگر، امری بسیار دشوار است؛ چرا که «لفظ و معنی یا شعور و تعبیر، وحدت و یکپارچگی دارند و ساختارهای تعبیری چیزی به جز نتیجه ساختارهای درونی نیستند و ساختارهای درونی هم بدون ساختارهای بیرونی، امکان بروز پیدا نمی‌کنند» (۶: ص ۲۵) و تمامی آنها در رسیدن به یک هدف مشترک گام بر می‌دارند؛ ولی برای سهولت فهم، سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است؛ این

ساختارها به صورت جدا از هم بررسی شوند.

۷. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س)

در تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س) ابتدا به بافت موقعیتی آن می‌پردازیم و سپس با تحلیل بافت متنی آن، نتیجه می‌گیریم که بافت متنی خطبه‌ها به زیبایی، متناسب با بافت موقعیتی آنها آمده است.

۱-۷ تحلیل بافت موقعیتی خطبه‌ها

خطبه‌های حضرت زینب (س) هر کدام دارای موقعیتی خاص است که اسلوبی خاص را هم می‌طلبد.

خطبه ایشان در کوفه، در میان مردم بوده است؛ مردمی که استاد مطهری مهم‌ترین عامل در اقدام آنها به قتل فرزند رسول خدا ﷺ را جهالت آنان می‌داند و در واقع امام حسین، شهید فراموش‌کاری مردم شد. (۱۳: ص ۴۷-۴۸) همین مردم اگرچه اهل بیت پیامبر ﷺ را تنها گذاشتند، ولی بعدها جوانه‌های نهضت مقاومت و بیداری در میان آنها آشکار و به صورت قیام توابین و مختار، روییده شد و به حکومت هزارماهه بنی امیه خاتمه داد. (۱۲: ص ۹۱) در حقیقت، تأثیر این خطبه در مردم، اولین بذره‌های این قیامها را در وجود آنها کاشت. لذا واجب بود که این خطبه‌ها به صورتی ایراد شود که بیشترین تأثیر را در آنها بگذارد و وجدان خفته آنان را بیدار کند.

خطبه حضرت زینب (س) در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید، در مقایسه با خطبه ایشان در کوفه، موقعیتی متفاوت دارد و اسلوبی دیگر را اقتضا می‌کند. ابن زیاد و یزید هدفی جز تحریف واقعه کربلا و جلوگیری از ابلاغ رسالت حسین ﷺ بعد از شهادت او نداشتند. آنها در پی معرفی کردن شهادت امام علی ﷺ و امام حسین ﷺ



به عنوان عذابی از جانب خدا بودند.^۱ یزید از نسل «من لفظ فوه أكباد الازکیاء»^۲ بود. او همان شرابخواری بود که دوست و دشمن به فساد او اعتراف می‌کردند و حسین (علیه السلام) وجود چنین حکمرانی را برای حکومت اسلامی مایه نابودی اسلام می‌دانست.^۳ در مقابل چنین شخصیتی و در شرایطی که سر بریده امام حسین (علیه السلام) در مقابل چشمان زینب (س) توسط یزید مورد اهانت قرار می‌گیرد و مجلسیان یزید التماس و به خواری افتادن خواهر حسین (علیه السلام) را انتظار می‌کشیدند تا آخرین ضربه خود را به پیکر اهل بیت پیامر بزنند، زینب با رفتاری آرام و کلامی استوار و استدلالی که نشان‌دهنده ایمان او به پیروزی آنان بر یزیدیان بود، خطبه تاریخی خود را - که اتمام‌کننده حماسه برادر در ابدیت تاریخ است، ایراد می‌کند.

مخاطبان حضرت زینب (س) در کوفه، مردمی بودند که با شرایط خاص خود، موقعیتی را ایجاد کرده بودند که اسلوب عاطفی، بیشتر از اسلوب برهانی و استدلالی، می‌توانست مؤثر باشد. در مقابل، مخاطبین ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، با شرایطی متفاوت‌تر و در نتیجه، موقعیتی دیگر، اسلوب کلامی دیگری را می‌طلبیدند که می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیت آنها دانست. البته باید توجه داشت که این موقعیت خاص در مقابل ابن‌زیاد و یزید که اقتضای اسلوب جدلی و حماسی را دارد - فقط مخصوص شخصیت زینب (س) است و گرنه، چه کسی به جز دختر علی (علیه السلام) می‌تواند با وجود آن همه مصیبت‌هایی که بر او وارد شد، باز هم در مقابل زورگویی همچون ابن‌زیاد و یزید، مقاومت کند و سر تسلیم و خواری فرو نیاورد و به تخطئه و شماتت یزیدیان بپردازد.

۱. در مجلس ابن‌زیاد، او خطاب به حضرت زینب (س) گفت: الحمد لله الذی فضحکم و قتلکم و أکذب أعدوئکم: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و دروغتان را ثابت کرد. ۱۱: ص ۱۷۶
۲. حضرت زینب (س) در خطبه خود در مجلس یزید، او را «ابن من لفظ فوه أكباد الازکیاء» خواند؛ یعنی: پسر کسی که جگر پاک‌ترین بندگان خدا را درید. (همان)
۳. و علی الإسلام السلام؛ إذا قد بليت الأمة براع مثل یزید. (۱۳: ص ۳۰)

۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه‌ها

در اینجا، بافت متنی خطبه‌های حضرت زینب به ترتیب در کوفه، مجلس یزید و مجلس ابن زیاد بررسی می‌شود.

۱-۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در کوفه

در تحلیل بافت متنی خطب می‌توان یک‌بار بافت بنایی آن را بررسی کرد و یک‌بار، بافت ساختاری آن را که شامل ساختارهای زبانی و اسلوبی گفتمان می‌باشد.

۱-۱-۲-۷) تحلیل بافت بنایی خطبه

خطبه حضرت زینب در کوفه، از لحاظ بافت کلی و بنایی، دارای مقدمه، متن اصلی و خاتمه بوده، همگی تسلسل و اتحاد متنی دارند. مقدمه آن با حمد و ثنای خدا و صلوات بر محمد ﷺ و اهل بیتش آغاز می‌شود. سپس متن اصلی آن با خطاب قرار دادن اهل کوفه، به اهل نیرنگ و فریب - که از بارزترین ویژگیهای کوفیان در مقابل اهل بیت پیامبر ﷺ بوده است - آغاز می‌گردد و سپس با تشبیه اعمال آنان به اموری حسی، اعمالشان برایشان روشن می‌شود. در اینجا حضرت زینب (س) آنان را شایسته گریه کردن می‌داند؛ چرا که به قتل برگزیده خاندان نبوت دست یازیدند. وی سپس آنان را به خاطر این کارشان نفرین می‌کند؛ کاری که به خاطر آن، به خشم خدا دچار شدند و بعد از آن هم انداز می‌دهد که آنان با این کار خود جگر رسول خدا را شکافتند و اگر از این کارشان آسمان هم خون ببارد، تعجبی ندارد. در پایان هم آنان را به سرنوشت نهایی کافران آگاه می‌سازد و اینکه خداوند در کمین آنهاست.

۲-۱-۲-۷) تحلیل بافت ساختاری خطبه

اعمال ادبی از لحاظ ساختارهای متنی، به دو قسمت ساختارهای درونی و ساختارهای بیرونی تقسیم می‌شوند. در ساختارهای بیرونی، الفاظ و عبارات، صور و خیال و موسیقی بررسی می‌شود و در ساختارهای درونی، عاطفه و فکر، مورد



نظر قرار می‌گیرد.

همان طور که در بافت موقعیتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، احتیاج به نوعی تأثیرگذاری بالا در شنوندگان داشت؛ البته تأثیرگذاری‌ای که از راه به کارگیری عاطفه باشد، نه استدلال. لذا کلیه ساختارهای اسلوبی این خطبه، متناسب با موقعیت ایراد خطبه آمده است و حضرت زینب(س) به بهترین شکل، مقتضای حال مخاطب را در خطبه خود رعایت کرده است. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. زیبایی چهارچوبی که معانی در آن قرار داده شده‌اند و هماهنگی آهنگ الفاظ و عبارات با فضایی که بر هر معنی حاکم است. «از وظایف ادیب برجسته این است که تصاویر و آهنگ الفاظ و عبارات او با جو شعوری که رسم می‌کند، هماهنگ باشند.» (۶: ص ۴۵)

حضرت زینب(س) آنجا که می‌خواهد دردمند شدن رسول خدا ﷺ را به خاطر شهادت حسین(علیه السلام) نشان دهد، کلام را در چارچوبی زیبا و عاطفی و تأثیر برانگیز قرار می‌دهد و از تعبیری چون وای بر شما ای مردم، شکافتن جگر رسول خدا، ریختن خون او و شکستن حرمت او استفاده می‌کند که در آن، گزینش الفاظی چون کبد، دم، حرمة، همراه با جاری شدن عبارات هم‌آهنگ با این جو عاطفی، به بهترین شکل، شور و هیجان درونی را برمی‌انگیزد.

ویلکم یا اهل الکوفة، اُتدرون ائی کبد لرسول الله فریتم، و ائی کریمه له اُبرزتم، و ائی دم له سفکتتم، و ائی حرمة له انتهکتتم؟^۱

در مقابل هنگامی که می‌خواهد زشت بودن و شدت عمل مردم در به شهادت رساندن حسین(علیه السلام) را توصیف کند، از کلماتی همچون صلعاء، عنقاء، سوداء، فقماء، خرقاء، شوهاء - که آهنگ حروف آنها نوعی خشونت و تنفر را در گوش ایجاد

۱. وای بر شما ای اهل کوفه، آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا شکافتید؟ و آیا می‌دانید کدام دختر او را مورد تماشای دیگران قرار دادید؟ و چه خونی از او بر زمین ریختید و چه حرمتی از او دریدید؟

می‌کند - استفاده می‌کند.

۱. ولقد جئتم بها صلعاء، عنقاء، سوداء فقهاء، خرقاء شوهاء كطلاع الارض.^۱
۲. برجسته‌سازی جملات کوتاه که دارای نوعی آهنگ درونی‌اند. این‌گونه جملات در تأثیرگذاری نقش مهمی را ایفا می‌کنند.



لقد خاب السعي و تبّت الأيدي و خسرت الصفة.^۲
و أنى ترحسون قتل سليل خاتم النبوة، و معدن الرسالة و سيّد شباب أهل الجنة و ملاذ خيرتكم و مفزع نازلتكم و منار محجّتكم، و مدره سنّتكم.^۳
استفاده از این اسلوب در سوره‌های مکی قرآن به خوبی نمایان است.
۳. تکرار کلمات هم آهنگ که از نظر معنایی، دارای نزدیکی‌اند. این اسلوب نیز در تأثیرگذاری عاطفی مؤثر است.

و هل فيكم إلا الصلف و النطف و الكذب و الشنف؟^۴
و لقد جئتم بها صلعاء، عنقاء، سوداء، فقهاء، خرقاء، شوهاء، كطلاع الارض.
۴. جملات دعایی و نفرین که تأثیر بسزایی در برانگیختن عاطفه مخاطبان دارد.
فلا رقت الدمعة، ولا هدأت الرنة.^۵
بعداً لكم و سحقاً.^۶

۱. کار زشت و ناشایستی انجام دادید و جنایت بزرگی کردید و ظلم و ستمی عظیم به بزرگی زمین و آسمانها مرتکب شدید.
۲. کوشش شما به ناامیدی کشید و دستهای شما از رحمت خدا کوتاه شد و معامله شما موجب خسران و زیان شما گردید.
۳. و چگونه می‌توانید بشورید و پاک کنید قتل پسر پیامبر خاتم و معدن رسالت و سیّد جوانان اهل بهشت را آن کسی که پناهگاه نیکان شما و جایگاه امن در بلاهای سخت و پرچم حجّت شما و زبان سنّت در میان شما بود.
۴. در میان شما جز خودستایی و فساد و سینه‌های پر از کینه نیست.
۵. هرگز آب دیدگانتان فرو نایستد و ناله‌هایتان ساکت نشود.
۶. دور باشید از رحمت خدا و هلاکت برای شما باد.

۵. جملات ندایی و طلبی که وجدان انسانها را خطاب قرار می دهند.

یا أهل الکوفة، یا أهل الختروالغدر.^۱

ویلکم یا أهل الکوفة.^۲

أي والله فابکوا کثیراً و اضحکوا قليلاً.^۳

۶. وجود صور خیال که به خطبه زیبایی افزون تری می بخشد و در نتیجه، به تأثیر بیشتر آن کمک می کند. به کارگیری معانی مجرّد، بدون صور خیال، از تأثیر متن ادبی می کاهد. (۶: ص ۱۴۹) قرآن به بهترین شکل از صور خیال برای تأثیر بیشتر معانی استفاده کرده است. «مثلهم کمثل الذي استوقد ناراً فلماً أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في ظلمات لا يبصرون.» (بقره (۲) / ۱۷) «ولا تكونوا کالتي نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثاً.» (نحل (۱۶) / ۹۱) حضرت زینب (س) نیز با به کارگیری اسلوب قرآنی، به استفاده از صور خیالی - که عناصر خود را از واقعیت می گیرند - پرداخته است.

تشبیه:

مثلکم کمثل التي نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثاً...^۴

او کمرعی علی دمنه أو کفضّة علی ملحودة.^۵

استعاره:

خاتم النبوة، معدن الرسالة، منار محجّتکم.^۶

۱. ای مردم کوفه، ای صاحبان مکر و خدعه.

۲. وای بر شما ای مردم کوفه.

۳. آری، به خدا قسم که بسیار گریه کنید و بسیار کم بخندید.

۴. مثل شما مثل زنی است که رشته های خود را به استواری می بافت و سپس از هم باز می کند.

۵. شما مانند گیاهان مزبلیه ها هستید که قابل خوردن نیستند و مانند نقره ای هستید که زینت قبورند.

۶. خاتم و معدن رسالت، آن کسی که در گرفتاریها پناهگاه شما و در مقام مجادله با دشمنان راهنمای شما بود.

ضربت علیکم الذلّة و المسکنة.^۱

أعجبت أن أمطرت السماء دماً.^۲

۷. استفاده از اسلوب انذار.

ما قدّمت لكم أن سخط الله علیکم و فی العذاب أنتم خالدون.^۳

بؤتم بغضب من الله.^۴

ویلکم یا أهل الکوفة.

لعذاب الآخرة أخرجی وانتم لا تنظرون.^۵

أن ربکم لبالمرصاد.^۶

۸. به کارگیری اسم نکره، برای نشان دادن شدّت عمل و استفاده از تقدیم و تأخیرهای بلاغی، برای هماهنگی پایان جملات و آهنگین کردن آنها که خود در افزودن بر تأثیر خطبه، مؤثر است.

«بؤتم بغضب من الله.» غضب نکره است و در بلاغت عربی، «یکی از کاربردهای

بلاغی اسم نکره نشان دادن شدّت و بزرگی چیزی است.» (۱۶: ص ۱۲۱)

«أندرون أيّ کبد لرسول الله فریتم و أيّ کریمه له أبرزتم و أيّ دم له سفکتم و أيّ حرمة

له انتهکت.» در اینجا برای هماهنگی آهنگ، کلمات کبد، کریمه، دم و حرمة - که

همگی مفعول اند - مقدّم شده‌اند. از منظر بلاغت عربی، یکی از دلایل تقدیم و

تأخیرها، ایجاد هماهنگی در موسیقی آخر جملات است. (همان: ص ۱۵۴)

۹. استفاده از کلماتی که خود به تنهایی، برانگیزاننده عاطفه‌اند. در تحلیل نشانه

۱. ذلّت و بیچارگی شما را احاطه کرده است.

۲. آیا تعجب می‌کنید که آسمان خون ببارد.

۳. چه زاد و توشه زشتی برای خود در عالم فراهم نمودید که موجب غضب خدا گردید و عذاب جاویدان برای شما آماده شد.

۴. همانا به غضب خدا دچار شدید.

۵. بدون شک، عذاب آخرت سخت‌تر و خوارکننده‌تر است. و در آن روز مهلت داده نمی‌شوید.

۶. پروردگار شما در کمین شماست.



معناشناختی گفتمان، یکی از ابعادی که در برانگیختن عاطفه مؤثر است، وجود کلماتی است که خود به تنهایی بار عاطفی دارند. (۷: ص ۱۴۴) در خطبه حضرت زینب(س) در کوفه کلماتی همچون: البكاء، الدمعة، الرنة، دم، به تنهایی دارای بار عاطفی اند.

۱۰. برجسته بودن عنصر عاطفه به عنوان عاملی تأثیرگذار که خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، اقتضای آن را دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در تحلیل ساختارهای درونی گفتمان، مورد توجه قرار می‌گیرد، عنصر عاطفه است. «در واقع عواطف همچون عطری هستند که در سرتاسر گفتمان پخش می‌شوند و فضای آن را با بوی ملایم یا تند خود تحت تأثیر قرار می‌دهند.» (همان: ص ۱۳۷) در بررسی ابعاد عاطفی خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، همین بس که کلیه ساختارهای بیرونی این خطبه، همچون الفاظ و عبارات، صور خیال، موسیقی و آهنگ موجود در متن - همان‌طور که به آنها اشاره شد - نمود و نتیجه‌ای از این عاطفه سرشارند. شاید همان فریاد دردناک و لرزه بر انداز آن حضرت و خطاب او به اهل کوفه، با عنوان اهل نیرنگ و فریب^۱ که یادآور فریادهای «یا أشباه الرجال و لا رجال» (۸: ص ۷۱) پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین است - بتوان به عنوان نقطه اوج این عاطفه دانست.

۷-۲-۲) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در مجلس ابن‌زیاد خطبه ایشان در مجلس ابن‌زیاد، در قالب گفتگو و در چند جمله میان حضرت و ابن‌زیاد شکل گرفته است. از ویژگیهای بافت متنی این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استفاده از الفاظ ساده و استوار و عباراتی غیر آهنگین که نشان از صبر و بردباری فراوان حضرت زینب دارد. ایشان در جواب ابن‌زیاد که از او سوال کرد:

۱. یا أهل الكوفة، یا أهل الختر و الغدر.



نظرت در مورد آنچه خداوند بر سر برادرت و پدرت آورد چیست؟ با آرامشی خاص و کلامی ساده و استوار و آهنگی آرام، فرمود: «ما رأیت إلاّ جيلاً. هؤلاء قوم كتب الله عليهم القتل، فبرزو إلى مضاجعهم...»^۱

۲. به کارگیری اسلوب بلاغی «القول بالموجب» که یک نوع آن عبارت است از اثبات صفتی برای چیزی یا شخصی و آوردن حکمی بر اساس آن که خود باعث نفی آن صفت از فرد مقابل می‌شود. این اسلوب به زیبایی در قرآن آمده است. «يقولون لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجننا الأعراس منها الأذلّ والله العزّة ولرسوله وللمؤمنين.» (منافقون ۶۳ / ۸) در این آیه، منافقان خود را عزیز و مؤمنان را ذلیل می‌دانند و در مقابل، خداوند بدون اینکه بگوید منافقان عزیز نیستند، عزّت را مختصّ به خود و رسولش و مؤمنان می‌داند و در واقع، با به کار بردن جمله مثبت، عزّت را از منافقان نفی می‌کند. (۱۶: ص ۳۳۷) حضرت زینب (س) هم آنجا که ابن‌زیاد در خطاب به او، خدا را شکر می‌کند که آنها را رسوا کرد، با به کارگیری این اسلوب می‌گوید: «خداوند را سپاس می‌گویم که ما را با (انتخاب) پیامبر (از میان ما) گرامی داشت و از پلیدی پاک و تطهیر کرد. تنها فاسق است که رسوا می‌شود و دروغگو است که تکذیب می‌شود و ما هیچ یک از این دو گروه نیستیم.» حضرت زینب در اینجا به زیبایی، کلام ابن‌زیاد را از اهل بیت، نفی می‌کند و به صورت غیرمستقیم، آن را به خود ابن‌زیاد نسبت می‌دهد.

۳-۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید

در این خطبه نیز همانند خطبه ایشان در میان مردم کوفه، می‌توان بافت متنی آن را به دو قسمت بافت کلی یا بنایی و بافت ساختاری تقسیم کرد.

۱-۳-۲-۷) تحلیل بافت بنایی خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید

۱. به جز زیبایی ندیدم. آنان قومی بودند که خدا کشته شدن را بر آنان نوشته بود، پس به سوی آرامگاههای خود رفتند.

این خطبه با حمد و سپاس خدا و صلوات بر محمد ﷺ و اهل بیتش آغاز می شود. حضرت زینب در جای جای این خطبه، با زیبایی و موقعیت شناسی بسیار عالی و با استشهاد به آیات الهی، یکی پس از دیگری، گمانه زنی های یزید مبنی بر پیروزی بر اهل بیت و تلاش او را برای تحریف واقعه کربلا، باطل می کند. شاید بتوان متن اصلی خطبه را به چند بخش یا مرحله تقسیم کرد: در مرحله اول به اقدام یزید در بی احترامی به وحی الهی که آن را قبل از خطبه آن حضرت به صورت ابیاتی زمزمه کرد - جواب می دهد و با استشهاد به آیه قرآن آن کار را نتیجه گناهان بسیاری می داند که یزید مرتکب شده و به بی احترامی به آیات الهی انجامیده است.

در مرحله دوم، حضرت زینب به مقابله با غرور و تکبر یزید می پردازد. یزیدی که به خاطر اسیر کردن دختران رسول و روی آوردن ظاهری دنیا به او و پیروزی ظاهری در جنگ، گمان می کند که خداوند او را عزیز دانسته و خاندان اهل بیت را ذلیل کرده است. در اینجا هم حضرت زینب با استشهاد به آیات الهی می گوید: روی آوردن دنیا به امثال شماها از روی سنت املاء الهی است که به کافران مهلت می دهد.

حضرت زینب (س) در مرحله سوم، به یادآوری اصل و نسب اهل بیت و اصل و نسب بنی امیه می پردازد و یزید را توبیخ و سرزنش می کند که چرا دختران رسول خدا را در بند کرده، در حالی که پدران او به لطف رسول اکرم ﷺ بعد از فتح مکه، آزاد شدند.

ایشان در مرحله چهارم، به این نکته می پردازد که آنچه را یزید انجام داد، نتیجه اصل و نسب او هست؛ چرا که او فرزند همان هند جگرخوار معروف است.

در مرحله پنجم، به باطل کردن ظن و گمان یزید می پردازد که در اشعاری که قبل از خطبه خواند، پدران خود را به مشاهده پیروزی او و انتقامش از خاندان رسول دعوت کرد؛ ولی حضرت زینب (س) می گوید نه تنها آنها بر نمی گردند، بلکه تو نیز



به زودی به همان جهنمی که آنها وارد شده‌اند، وارد می‌شوی.

در مرحله ششم، با اعتماد به وعده الهی، نتیجه عملکرد یزید را به خودش بر می‌گرداند و می‌فرماید: ای یزید، تو با به شهادت رسانیدن حسین (علیه السلام) تنها به خودت ضربه زده‌ای؛ چرا که حسین (علیه السلام) در راه خدا کشته شد و شهیدان در راه خدا هم زنده‌اند و نزد او روزی داده می‌شوند؛ ولی تو می‌مانی و این عمل زشت و سر و کارت با خداوند و رسول (صلی الله علیه و آله) است و باید جوابگوی آنان باشی.

در مرحله هفتم، حضرت زینب به بلندی جایگاه خود نسبت به یزید اشاره می‌کند که او همیشه یزید را در هر حالی که باشد، کوچک و پست می‌شمارد. و مرحله آخر اشاره به اینکه یزید اگر تمام تلاشهای خود را به کار بگیرد، نمی‌تواند یاد و خاطره کربلا و کربلائیان را از صحنه روزگار محو کند. در پایان هم با حمد و سپاس بر خداوند - که به اولین خاندان آنها عزت و به آخرین آنها شهادت عطا کرد - خطبه را به پایان می‌برد.

۲-۳-۲-۷) تحلیل بافت ساختاری خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید همان‌طور که در بافت موقعیتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید، به دلیل موقعیت خاص آن، اقتضای اسلوبی استدلالی و برهانی را داشت.

بررسی بافت متنی این خطبه، به خوبی، نشان می‌دهد که حضرت زینب با موقعیت‌شناسی ویژه خود و به کارگیری اسلوبی متناسب با شرایط، توانست رسالت خود را به بهترین شکل به انجام برساند. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. چهار چوبی ساده ولی استوار که در آن، الفاظ و عبارات همراه با موسیقی آرام در حرکت‌اند. به کارگیری این اسلوب بدان جهت است که موقعیت خطبه ایشان، برهان و استدلال را اقتضا می‌کند و در اسلوب برهانی، الفاظ و عبارات ساده و با آهنگی آرام به کار می‌روند.

أظننت يا يزيد، حين أخذت علينا أقطار الأرض و آفاق السماء، فأصبحنا

نساق كما تساق الإماء، إن بنا على الله هواناً، و بك عليه كرامة؟^۱

۲. برجسته ساختن جملات آهنگین در مواقع خاص. به عنوان مثال، آنجا که حضرت زینب می‌خواهد شدت تعجب خود را از کشته شدن پیروان خداوند توسط شیطان و آلوده شدن دستان به خون آنها و خون‌چکان شدن دهانها از گوشت آنها و خورده شدن جثه‌های پاکشان توسط گرگها در بیابان و پاره‌پاره شدنشان توسط کفتارها... بیان کند، از عباراتی آهنگین - که با معانی تناسب دارند - استفاده می‌کند.

ألا فالعجب كلّ العجب، لقتل حزب الله النجباء بحزب الشيطان الطلقاء.

فهذه الأيدي تنطف من دماءنا و الأفواه تتحلّب من لحومنا و تلك الجثث

الطواهر الزواكي تنتابها العواسل و تعفرها أمّهات الفراع و.^۲

یا در جایی دیگر آن‌گاه که می‌خواهد تأکید کند که تو ای یزید، هرگز نخواهی توانست یاد ما را پاک کنی و اینکه روزگار تو اندک است، از جملات مداوم با آهنگی کوبنده استفاده می‌کند.

فوالله لا تمحو ذكرنا و لا تميت و حينا و لا تدرك أمدنا و لا ترض عنك عارها.

و هل رأيك إلا فند و أيامك إلا عدد، و جمعك إلا بدد؟^۳

یا آنجا که با استفهامهای انکاری پی در پی، از یزید می‌پرسد که آیا گمان می‌کنی

۱. ای یزید، آن‌گاه که راههای زمین و آسمان را به روی ما بستی و ما را همانند اسیران، به گردش درآوردی پنداشتی که خداوند تو را عزیز و ما را خوار و ذلیل ساخته است؟

۲. بسی جای شگفتی و تعجب است که حزب خدا به دست حزب شیطان کشته شود. خون ما از پنجه‌های شما می‌چکد و پاره‌های گوشت بدن ما از دهانهای شما می‌ریزد و آن جثه‌های پاک را گرگها و کفتارهای بیابان می‌درند.

۳. به خدا سوگند، یاد ما را از دلها و وحی ما را محو نتوانی کرد و به جلال ما هرگز نخواهی رسید و نمی‌توانی لکه ننگ این ستم را پاک کنی. رأی و نظر تو بی اعتبار و زمان دولت تو اندک و اجتماع تو به پریشانی و نابودی خواهد کشید.

که الآن که ما را همچون کنیزکان اسیر کرده‌ای و دنیا به تو روی آورده، دیگر تو نزد خدا عزیز و ما ذلیل هستیم و بعد یک دفعه با فریاد کوینده «مهلاً مهلاً لا تَطِشْ جهلاً»^۱ یزید را از خواب خوش بیدار و متوجّه آیات خداوند متعال می‌کند. ۳. کاهش صور خیالی همچون تشبیه و استعاره، نسبت به خطبه ایشان در میان مردم کوفه.

۴. روش استدلالی و برهانی به جای روش تأثیرگذاری عاطفی. حضرت زینب (س) استشهاد به آیات قرآن و توجّه کردن به گذشته تاریخی اهل بیت و بنی‌امیه را مرکز اصلی استدلال خود قرار می‌دهد؛ چرا که اگرچه یزید و اصحاب او به قتل فرزند رسول خدا دست یازیدند، ولی بهانه آنها در ظاهر، خارج شدن حسین (علیه السلام) و یارانش از دین محمد (صلی الله علیه و آله) بود؛ همان‌طور که این اقدام را عذابی از جانب خداوند بر اهل بیت و عزّتی برای بنی‌امیه می‌دانستند. پس حضرت زینب (س) در مواردی چند، تهمتها و دسیسه‌های آنها را با موقعیت سنجی باطل می‌کند که برای مثال، به دو نمونه اشاره می‌شود.

- آنجا که یزید وحی خدا را مورد تمسخر قرار می‌دهد، حضرت زینب با استشهاد به آیه ۱۰ سوره روم که می‌فرماید «سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند.» تمسخر آیات الهی را نتیجه طبیعی زیادی گناهان او می‌داند.

اشاره به اصل و نسب که پدران او آزادشدگان رسول الله (صلی الله علیه و آله) بودند و پدرش معاویه که فرزند هند جگرخوار بود و در مقابل ذکر اصل و نسب اهل بیت (علیهم السلام) که به رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر می‌گردد و حسین (علیه السلام) که پیامبر او را سید شباب اهل الجنة خوانده است و الآن یزید با این اصل و نسب، سرور جوانان بهشتی را به جرم خروج از دین، به شهادت می‌رساند!! «أمن العدل يا ابن الطلقاء، تخديرك حرائك وإماءك و سوقك

۱. اندکی آهسته و آرام‌تر.

بنات رسول الله ﷺ سبايا؟^۱ «كيف ترجى مراقبة ابن من لفظ فوه أكباد الأركباء ونبت لحمه من دماء الشهداء؟»^۲ «...منتحياً على ثنایا أبی عبدالله، سید شباب أهل الجنة تنکتهما بمخصرتك»^۳

۳-۷) تأثیر خطبه‌های حضرت زینب (س)

با توجه به تمام ساختارهای متنی و غیر متنی که به آن اشاره شد، می‌توان گفت که این خطبه‌ها دارای تأثیر عمیقی بوده‌اند. در بررسی تأثیرات این خطبه‌ها، می‌توان به نقش مهم و غیرقابل انکار آنها در بیان رسالت کربلا و جلوگیری از تحریف آن توسط یزیدیان اشاره کرد. ولی برای درک بیشتر این تأثیرات، می‌توان به روایات و کلام برخی از مورّخین مسلمان و حتّی غیر مسلمان استناد کرد.

بعد از به اتمام رسیدن خطبه حضرت در کوفه، راوی می‌گوید: «به خدا قسم، در این هنگام، مردم را دیدم که سرگردان، گریه و زاری می‌کردند در حالی که انگشتان خود را (از شدت گریه) در دهان کرده‌اند. و در کنار خود پیرمردی را یافتم که گریه می‌کرد؛ در حالی که محاسن او از اشکان چشمش خیس شده بود و او با خود می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! پیران‌تان بهترین پیران و جوانان‌تان بهترین جوانان و زنان‌تان بهترین زنان و نسل شما بهترین نسلها، که خوار و مغلوب نمی‌شوند». (۱۱: ص ۱۷۴)

در مورد تأثیر خطبه ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، مورّخان آن را از عوامل مهم سقوط حکومت بنی‌امیه دانسته‌اند. کورت فریشر در کتاب خود با نام امام حسین و ایران، در مورد خطبه ایشان در مجلس یزید می‌نویسد: «هنوز صحبت

۱. ای پسر آزادشده جد بزرگوار ما، آیا از عدل است که تو زنان و کنیزکان خود را در پرده بنشانی و پرده‌نشینان رسول خدا ﷺ را این طرف و آن طرف برانی؟

۲. چگونه می‌توان امید بست به دلسوزی کسی که مادرش جگر پاکان را جویده است و گوشش از خون شهیدان روییده؟

۳. ... در حالی که با چوب دستی بر لب و دهان اباعبدالله سید جوانان اهل بهشت، می‌زنی.

زینب، دختر علی بن ابی طالب، تمام نشده بود و کسانی که در مجلس یزیدبن معاویه حضور داشتند، به دقت، سخنان آن زن را می شنیدند و از شجاعت وی حیرت می کردند. تا آن روز کسی جرئت نکرده بود که آن طور صریح و بدون پرده، ظلم و فسق و رشوه خواری دستگاه خلافت یزیدبن معاویه را روبه رو، با حضور عده‌ای زیاد شاهد و مستمع با او بگوید.» (۱۰: ص ۵۲۰)

سپس در مورد تأثیر این خطبه می گوید: «نطق زینب، دختر علی بن ابی طالب، طوری حکومت اموی را متزلزل کرد که حتی در زمان خود یزیدبن معاویه مردم مدینه، یعنی مردم همان شهری که اسلام از آنجا قوت گرفت و توسعه به هم رسانید، بر ضد حکومت اموی شورش کردند... سه نفر که هر سه علمدار شورش علیه حکومت اموی شدند، آن روز در مجلس یزید حضور داشتند. یکی از آنها فضل بن عباس بن ربیع بود که بعد از مراجعت به مدینه، علم شورش را برافراشت و کشته شد. دیگری عبدالله بن زبیر بود که بعد از شورش فضل بن عباس بن ربیع در مدینه و کشته شدن او، در مکه شروع به طغیان کرد و مردم مکه را علیه یزیدبن معاویه شورانید... سومین شخص مختار بن ابی عبیده ثقفی بود و می توان گفت که آن سه نفر اگر آن روز در مجلس یزید حضور نداشتند و نطق زینب را نمی شنیدند، مبادرت به شورش نمی کردند. اگرچه شورش مختار بن ابوعبیده ثقفی بعد از مرگ یزیدبن معاویه آغاز شد، ولی باز آن مرد تحت تأثیر نطق زینب قرار گرفت.» (همان: ص ۵۲۴) اسد حیدر می گوید: «زینب یزید را به گونه‌ای خطاب قرار داد که او را از آن خونسردی ظاهری بیرون کشید و او همچون بنده‌ای گناهکار بود که در دست بانوی بزرگوار است و مورد سرزنش و ملامت قرار می گیرد.» (۲: ص ۳۴۷)

نتیجه گیری

تحلیل گفتمان ادبی همچون دیگر شاخه‌های آن در دهه‌های اخیر، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. در این روش، متون ادبی از دو جنبه بافت متن و بافت

موقعیت بررسی می‌شوند. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س) با بررسی این دو بافت، به‌خوبی، شمه‌هایی از فصاحت و بلاغت کلام ایشان را نشان می‌دهد. خطبه‌های ایشان از یک سو، با استفاده از اسالیب و مفاهیم قرآنی و به کارگیری اصول زیباشناسانه و هماهنگی بین متنی و از سوی دیگر، با هماهنگی که میان دو بافت متنی و موقعیتی آنها وجود دارد، توانسته‌اند به بهترین شکل، فصاحت و بلاغت زینبی را نشان دهند. ایشان در خطبه خود در میان مردم کوفه، با برجسته‌سازیهای عاطفی - که متناسب با فضای حاکم بر مخاطبان بود - توانست بیشترین تأثیرات را در اهل کوفه به جای بگذارد. در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید، در حالی که بیشترین مصیبت‌ها بر اهل بیت وارد شده بود و کسی را یارای مقابله با یزیدیان نبود، با به کارگیری اسلوب برهانی و استدلالی و تخطئه کردن ابن‌زیاد و یزید، توانست تأثیر شگرفی را در طول تاریخ بر جای بگذارد و رسالت برادر را به بهترین شیوه ممکن، به انجام برساند.

منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس. مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن. رساله دکتری زبان شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱ ش.
۲. اسد، حیدر. مع الحسین فی نهضته.
۳. بهرامپور، شعبانعلی. درآمدی بر تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹ ش.
۴. حفنی، حسین. تحلیل الخطاب. المؤتمر العلمي الثالث، تحلیل الخطاب العربی (بحوث مختارة). عمان: جامعة فيلادلفيا.
۵. روزنامه توسعه. درباره تحلیل گفتمان. ۱۳۸۰/۹/۶.
۶. سید قطب. النقد الادبی اصوله و مناهجه. دار الشرق، ۲۰۰۶ م.
۷. شعیری، محمدرضا. نشانه معناساختی گفتمان. تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
۸. الصالح، صبحی. نهج البلاغه. قم: منشورات دار الهجرة.

۹. فرکلاک، نورمن. **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. فریشر، کورت. **امام حسین و ایران**. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. القزوينی، عبدالحسین. **صناعة الخطابه**. بیروت: مؤسسه البلاغه، ۱۹۸۸ م.
۱۲. محدثی، جواد. **پیام‌های عاشورا**. قم: تحسین، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. مطهری، مرتضی. **حماسه حسینی**. ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. مک دائل دایان. **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. میلز، سارا. **گفتمان**. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: نشر هزاره سوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. الهاشمی، احمد. **جواهر البلاغه**. نشر الهام، ۱۳۷۹ ش.